| تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۸/۸ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۶/۱۲/۱۵ |

مقایسهٔ الگوی خلاقیت در اسلام با الگوهای مطرح در روان‌شناسی

جعفر علی‌گلی فیروزجائی

دانشجوی دکتری قرآن و روان شناسی دانشگاه المصطفی، ایران، قم.

Firouzjahi@gmail.com

چکیده

درک روشن‌تر از عناصر شکل‌دهندهٔ خلاقیت و رابطهٔ آنها با یکدیگر به والدین، مربیان و مدیران یاری می‌دهد تا هرچه بیشتر تفکر خلاق را رشد دهند و از موانع آن پیش‌گیری کنند. الگوهای موجود از خلاقیت مدعی تبیین خلاقیت هستند؛ بااین‌حال، در معرفی برخی مؤلفه‌ها یا زیرعنصرها و نحوهٔ ارتباط آنها با یکدیگر اختلاف دارند. هدف از این تحقیق معرفی و مقایسهٔ الگوهای خلاقیت است که توسط آمابیل و اربن ارائه شده و همراه بررسی خلاقیت در اسلام و برداشت الگوی پیشنهادی از منابع اسلامی است. این مقاله با جمع‌آوری اطلاعات به روش توصیفی-تحلیلی و دلفی به این نتیجه می‌رسد که هر سه الگو با اختلاف‌هایی در جزئیات، دست‌کم بر پایه اطلاعات عمومی و تخصصی، تجربه، تفکر و انگیزش اتفاق دارند. الگوی برداشت‌شده از منابع اسلامی علاوه‌بر این موارد، تسهیل بستر شخصیتی و محیطیِ مبتنی‌بر ایمان و روحیهٔ تلاش را در پدیدآیی و رشد خلاقیت مؤثر می‌داند.

کلیدواژگان: خلاقیت، مؤلفه‌های خلاقیت، الگوی اسلامی خلاقیت.

مقدمه

امـروزه جوامع بشـری به‌علت مواجهه با تحلیل منابع طبیعی، فزونـی تبادل اطلاعات و ارتباطات، وابسـتگی متقابل میان کشورها، سـبقت برخی کشورها و سـرعت فزایندهٔ تغییرات، نیاز به پرورش خلاقیت[1] را بیشـتر احسـاس می‌کنند. در این زمـان افراد تیزهوش، خلاق و صاحبان اندیشـه‌های نو و خلاقانه، همانند گران‌بهاترین سـرمایه‌ها، جایگاه بسـیار ارزشـمندی در جامعهٔ خویش دارند به‌طوری‌که به‌دست‌آوردن نیروی خلاق می‌تواند موضوع زندگی و مرگ هر جامعه‌ای باشد (کفایت، ۱۳۷۳). بـه همین جهت قدرت خلاقیـت ذهن، بالاتر از ضرورت برای هر اجتماعی شـرط بقای جامعه و شاه‌کلید پیشرفت برای آنها است. برای دستیابی به این توانمندی آینده‌ساز، مدیران و مربیان نیاز دارند این توان را شـناخته و سـپس از خلاقیت جوانان خود برای بقا و حفظِ ارزش‌ها و قدرت خود بهره گیرند.

تحقیقـات متعـدد خلاقیـت را پدیـده‌ای انعطاف‌پذیر و دارای قابلیت رشـد معرفـی کرده‌اند. تورنس[2] با توجه به نتایج تحقیقات خود می‌گوید می‌توان با اهمیت‌دادن به عناصر بنیادین خلاقیت و آمـوزش دسـته‌ای از اصول به کودکان، نسـبت‌به زمانی که هیچ‌گونه آموزشـی درایـن مورد ندیده باشـند، ایده‌هایـی با فراوانی و کیفیت بیشـتر دریافت کـرد (حسـینی، ۱۳۷۸: ص۷۲). خلاقیت علاوه‌بر اینکه قابلیت رشـد دارد، چنانچه رها شـده و یا با آن مبارزه شود استعداد زیادی برای افت و نزول دارد (شهرآری و سیدان و فرزاد، ۱۳۸۱).

خلاقیـت واژه‌ای نو اسـت و تا اندازه‌ای بیشـتر در مجامـع علمی به‌کار می‌رود. پژوهشـگران بـا توجه بـه جنبه‌های مختلـف خلاقیت و با توجه به رویکـردی که داشـته‌اند، خلاقیت را تعریف کرده‌انـد. آمابیل[3] (۱۹۹۶) خلاقیت را با توجه به محصول این‌گونه تعریف می‌کند: «به اجرای یک ایـدهٔ نو و مفید برای تأسـیس یک شـغل یا برنامهٔ جدید بـه منظور جابه‌جایی یـا خدمات متفاوت خلاقیت گفته می‌شود» (آمابیل، ۱۹۹۶: ص۲۰). تحقیقات دیگر نوبودن و ارزشمندی را لازمهٔ هر خلاقیتی می‌دانند، مانند اسـتین[4] (۱۹۷۴) که خلاقیت را فراینـدی می‌داند که نتیجهٔ آن کار تازه‌ای است که توسط گروه با اهمیتی در یك زمان، به‌عنوان چیزی مفید و رضایت‌بخش مقبول واقع شود (آی‌گار، ۱۳۸۰: ص ۳۸۶). مایر بعد از تحلیل تعریف‌های موجود دربارهٔ خلاقیت به دو مشخصهٔ

1.Creativity
2. Torrance , Ellis Paul
3. Amabile Teresa
4. Stein

تکرارشـونده یعنی «نو و تازه‌بودن[1]» و «اهمیت و سـودمندی»[2] در این تحقیقات رسید (استرنبرگ، ۱۹۹۹: ص ۴۵۰). درنتیجه خلاقیت عبارت است از «توانایی ارائهٔ راه حل جدید و سودمند با نگاه متفاوت به مسـئله. منظور از سـودمندی مفید و باارزش‌بودن است، یعنی اینکه با واقعیت در ارتباط باشند» (افروز، ۱۳۷۸: ص ۹۸؛ بیابانگرد، ۱۳۸۴: ص ۲۹۳).

شـکل‌گیری برخی مفاهیم روان‌شـناختی مانند خلاقیـت محصول کنارهـم قرارگرفتن عناصر مختلفی اسـت. طراحی الگو برای سـازهٔ خلاقیت، به دو منظور صورت می‌گیرد؛ نشان‌دادن عوامل مؤثر در شـکل‌گیری آن و همچنین، به‌منظور ترسـیم نحوهٔ تعامل این عوامـل با یکدیگر؛ ازاین‌رو، «الگو» مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها را در اختیار می‌نهد که به‌واسطهٔ آن والدین، مربیان و مدیران می‌توانند مسیر خود را نشانه‌گذاری، ارزیابی و مانع‌زدایی کنند (تقوی، ۱۳۸۷).

نـگاه الگومحور بـه خلاقیت درک صحیحی از ایـن مفهوم کاربردی می‌دهد. آزمون سـنجش خلاقیت تورنس[3] (TTCT)، با توجه به الگوی ارائه‌شـده از آمابیل طرح‌ریزی شده است (تورنس، ۱۹۷۹: ص ۲۸). در آموزش و تربیت چاره‌ای نیسـت جز اینکه طرح‌های آموزشـی با توجه به سازهٔ خلاقیت تدوین شـوند؛ چراکه رویکردهای آموزشی خلاقیت‌افزا، یافتن و افزایش توان تکنیک‌های خلاقیت، الگوسازی خلاقیت‌محور، بهره‌گیری از توان فزایندهٔ محیطی، جلوگیری از موانع محیطی و چگونگـی مواجهه با عنصر انگیزه بر خلاقیت همگی مبتنی‌بـر درکی کامل‌تر از الگوی خلاقیت اسـت (وارد، ۲۰۰۷؛ فراری و همـکاران، ۲۰۰۹)؛ علاوه‌براین، در مباحث مدیریتی نیز آموزش و شـناخت مؤلفه‌های خلاقیت بر شـناخت و تصمیم‌گیری مثبت مدیران تأثیر مستقیم دارد (تانوات، ۲۰۰۷). بااین‌حال، بررسی این الگوها در مطالعات علمی کشور بسیار اندک بوده، تاکنون تحقیقی مسـتقل در ارائهٔ الگویی مبتنی‌بر متون اسلامی در موضوع خلاقیت صورت نگرفته است. درنتیجه، این تحقیق درصدد پاسـخ به این سـؤالات است: مؤلفه‌های اساسـی خلاقیت در اسلام کدام‌اند؟ ارتباط آنها با یکدیگر چگونه است؟ این الگو چه تفاوتی با الگوهای موجود دارد؟

روش تحقیق

تحقیـق حاضر بـا ملاحظهٔ هدف تحقیـق، از نوع تحقیقات بنیـادی و نظری (درمقابـل کاربردی) به‌حساب می‌آید (دلاور، ۱۳۸۰: ص ۴۸). از روش تحلیل محتوا برای بررسی، توصیف، دسته‌بندی،

1. Novelty, Novel, New, Original
2. Usfulness, Valuable, Appropriate, Adaptive
3. Torrance Tests of Creative Thinking

مقایسه، و تجزیه و تحلیل مفاهیم محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون دینی مرتبط با خلاقیت استفاده شده است (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ص ۷۷) از این روش به‌عنوان توصیفی-تحلیلی نیز یاد می‌شود که در آن اطلاعات لازم دربارهٔ موضوعات و ریزموضوعات پژوهش ازطریق مطالعه و بررسی کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایر آثار مکتوب و نیز تأمل و کنکاش در داده‌های گردآمده و انجام برخی عملیات پژوهشی ازقبیل شرح، تفسیر، تحلیل و ارائهٔ الگو انجام می‌پذیرد (قراملکی، ۱۳۸۳: ص ۳۴). همچنین، برای کشف روایی محتوا[1] از روش پیمایشی دلفی استفاده شد. «از روش دلفی هنگامی استفاده می‌شود که بخواهیم دربارهٔ اتفاق‌نظر یک جمع صاحب‌نظر دربارهٔ یک موضوع خاص به بررسی بپردازیم» (سرمد و دیگران، ۱۳۸۸: ص ۸۴).

برای گردآوری اطلاعات ابتدا به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی در منابع اسلامی به تشکیل پروندهٔ علمی اقدام شد. به‌دلیل اهمیت و نوبودن موضوع در بخش اسلامی و نیاز به تحلیل مبنایی این سازه که مبتنی‌بر کلیدواژگانی «حیل، فطن، خلق، بدع، حکم، حزم، عقل» بوده است، آیات و احادیث مرتبط با موضوع از منابع دست‌اول شیعی و یا با استفاده از نرم‌افزارهایی مانند جامع‌الاحادیث۳٫۵ و جامع‌التفاسیر۳، شناسایی و استخراج شد. سپس با تجزیه و تحلیل مفاهیم و مضامین آنها و کشف روابط علی با تکیه بر تبیین‌های روان‌شناختی، به‌صورت جامع ملاحظه و خانوادهٔ قرآنی-حدیثی دربارهٔ آن تشکیل شد؛ در مرحلهٔ بعد با استفاده از روش‌های تفسیری و اجتهادی مورد بررسی و پالایش مجدد قرار گرفته و درنتیجه سازهٔ خلاقیت مبتنی‌بر منابع اسلامی ارائه شد.

سپس برداشت محقق از منابع اسلامی توسط کارشناسان اسلامی و تربیتی به روش دلفی به قضاوت گذاشته شد. روایی محتوایی مؤلفه‌های خلاقیت ازنظر کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی ارزیابی شد. کارشناسان نظر خود را در زمینهٔ میزان مطابقت هر گویه با مستند ذکرشده در مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم) اعلام کردند. نتایج نظرات کارشناسان میزان موافقت مستندات با مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد. میانگین نمرات تمامی کارشناسان بالاتر از ۳ بوده و میانگین کل نیز برابر با ۳/۶۵ انحراف استاندارد برای این داده‌ها ۰/۳۷۳ به‌دست آمده است؛ بنابراین، ازنظر کارشناسان خبرهٔ دین و روان‌شناسی، مؤلفه‌های نظری خلاقیت اسلامی در حد «زیاد» و «خیلی زیاد» با آموزه‌های دینی مطابقت دارد؛ به‌عبارت دیگر، نتایج این پیمایش به شیوهٔ دلفی (اظهارنظر افراد خبره) نشان می‌دهد که ۹۱ درصد مؤلفه‌ها مورد تأیید خبرگان دین و روان‌شناسی قرار گرفته است. ضریب تطابق کندال ($r\tau_{=}$ ۰/, p <۰٫۰۵۱۸۹) با مقدار مجذور

1. Content validity

کای (x^2=۴۵/, df۴۴= ۷ , p= ۰/۰۳۵)، نشـان‌دهندهٔ توافق مناسـب و معنادار کارشناسـان خبره درمورد موافقت مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها با مستندات اسلامی است و روایی بالای محتوای مؤلفه‌ها را می‌رساند.

یافته‌های تحقیق

معرفـی عناصر شـکل‌دهندهٔ خلاقیت و الگوی ارتباطـی آنها به جهت تأثیر آن بر دامنهٔ وسـیعی از تصمیم‌گیری‌های آموزشی و مدیریتی، پژوهش‌های متعددی را به‌سوی خود جلب کرده است مانند میـر[1] (۱۹۹۹) آمابیل[2] (۱۹۸۳و۱۹۹۶) اسـترنبرگ و لوبـارت[3] (۱۹۹۱- ۱۹۹۵)، اربن[4] (۲۰۰۳) و سـیکزنت‌میهالی[5] (۱۹۹۹). باوجود الگوهای مختلف، در این نوشـتار، الگوی ارائه‌شـده توسط آمابیل از دانشـگاه هاروارد به‌دلیل بیشـترین اسـتناد و مبنا قرارگرفتن در برنامه‌ریزی و سـنجش‌های آموزشـی و مدیریتـی و الگوی اربن از دانشـگاه هانوفر به‌دلیل تخصصی‌بـودن زیرمؤلفه‌ها معرفی می‌شـوند. همچنین، براسـاس این دو الگـو، آدامـز[6] (۲۰۰۵) وارد[7] (۲۰۰۷) پولیتیس[8] (۲۰۰۴) گینزبورگ و برونستین[9] (۲۰۰۸) چانکو[10] (۲۰۱۱) و دیگر محققان، پژوهش‌های گسترده‌ای دربارهٔ خلاقیت ارائه کرده‌اند.

الگوی خلاقیت آمابیل

به عقیدهٔ آمابیل، خلاقیت از سه مؤلفهٔ تفکر خلاقانه، قلمرو مهارت‌ها و انگیزهٔ درونی تشکیل شده اسـت. به شرط جمع این سـه مؤلفه، توانایی پیش‌بینی خلاقیت از فرد یا گروه بالا می‌رود (آمابیل، ۱۹۹۶: ص ۶).

1. Mayer
2. Amablie M Teresa
3. Sternberg and Lubart
4. Klaus K. Urban
5. Csikszentmihalyi
6. Karlyn Adams
7. Thomas B. Ward
8. John D. Politis
9. Golda S. Ginsburg and Phyllis Bronstein
10. Hsu-Chan Kuo

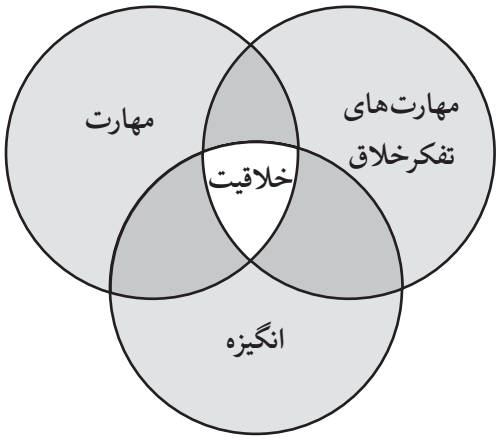

شکل۱. الگوی مؤلفه‌ای آمابیل (۱۹۹۶)

۱. مهارت

مهارت[1] در نظریهٔ آمابیل مجموعه‌ای از راه حل‌های شـناختی‌ـعملیاتی است که فرد برای حل‌کردن یک مشـکل در اختیار دارد. مهارت شـامل دانش واقعی، تجربهٔ تکنیکی و استعداد خاص در حوزهٔ کاری موردنظر اسـت. به‌عنوان مثال مهارت در متخصصان سـطح بالای مهندسی شامل موارد زیر است:

استعداد بالای فرد در تصویرپردازی و اندیشه دربارهٔ مشکلات پیچیدهٔ مهندسی،

توانایی تمرکز بر جنبه‌های مهم مسئله،

دانش واقعی او دربارهٔ مواد،

آشنایی او به کارهای گذشته و توسعهٔ فعلی علوم مهندسی،

درنهایت، مهارت‌های تکنیکی اسـت که فرد از طراحی، اجرا و تحقیقات به‌دست می‌آورد. این مؤلفه از آمابیل مورد تأیید دیگران واقع شـد و پس از آن در تحقیقات بعدی اسـتفاده شـد (همان: ص۴).

1. Expertise

۲. انگیزه

تحقیقات آمابیل در موضوع انگیزه در خلاقیت و تقسیم انگیزه به درونی[1] و بیرونی[2] منشأ تحقیقات دیگر شد. با توجه به نتایج تحقیقات آمابیل، انگیزهٔ درونی به مراتب خلاقیت بیشتری را نسبت‌به انگیزهٔ بیرونی موجب می‌شود. انگیزهٔ درونی از علاقهٔ شدید و درگیرشدن فرد به کار از حس کنجکاوی، شور و شوق و یا حس شخصی به چالش‌کشیدن نشئت می‌گیرد اما انگیزهٔ بیرونی برخلاف انگیزهٔ درونی میل به رسیدن به اهداف برای خودِ کار نیست بلکه به منظور رسیدن به جایزه، پرکردن وقت یا برنده‌شدن در یک رقابت است. در آزمایش آمابیل فردی که برای دریافت پاداش وارد ماز می‌شد، روشن‌ترین و کوتاه‌ترین راه را برای رسیدن به جایزه طی می‌کرد اما کسی که دارای انگیزهٔ درونی بود راه‌های مختلف و جایگزین را امتحان می‌کرد و از صرف زمان برای مسئله لذت می‌برد و درنتیجه به راه‌های جدیدتر و مناسب‌تری نسبت‌به راه اصلی می‌رسید (همان). تحقیقات آمابیل نشان داد جایی که تجربه و مهارت‌های تفکر خلاق فرد کم باشد انگیزهٔ درونی کمک می‌کند تا نواقص را جبران کرده و به راهکاری ابتکاری برسد (آمابیل، ۱۹۹۷).

بیشترین تأثیر محیط در خلاقیت می‌تواند بر میزان انگیزه باشد. تغییرات موقت در محیط کار که همسو با انگیزهٔ افراد نباشد، عاملی می‌شود که جوشش‌های اولیهٔ انگیزشی افراد برای مدت زیادی خاموش شود (همان). به‌عنوان مثال مهندسی که با انگیزهٔ درونی بالا عهده‌دار پروژه‌ای شده است، اگر با رفتار سرد مسئول آزمایشگاه مواجه شود انگیزهٔ او افت می‌کند و پیشرفت کمتری خواهد داشت.

انگیزهٔ بیرونی در نظر آمابیل خود به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. انگیزه‌های هم‌افزا[3] و ۲. انگیزه‌های غیرهم‌افزا.[4] انگیزه‌های هم‌افزا انگیزهٔ درونی را حمایت و تقویت می‌کنند (یا دست‌کم با آن مقابله نمی‌کنند) درحالی‌که انگیزه‌های غیرهم‌افزا به انگیزهٔ درونی ضربه می‌زنند (آدامز، ۲۰۰۵: ص ۶). به‌عنوان مثال تحقیقات شرکت‌های بازرگانی چندین نوع از انگیزه‌های هم‌افزا را مشخص کرده‌اند، مانند جایزه، تصدیق ایده‌های خلاقانه، به‌وضوح مشخص‌کردن اهداف کلی پروژه‌ها و تکرار بازخوردهای مفید در حین کار. این درصورتی است که انگیزه‌های غیرهم‌افزا مانند رقابت، مقایسه، مشوق‌های بی‌نظم وغیره معمولاً خصوصیت کنترلگری و بی‌عدالتی را در محیط القا می‌کنند.

1. Intrinsic Motive
2. Extrinsic Motive
3. synergistic motivations
4. non-synergistic motivations

۳. مهارت‌های تفکر خلاق

مهارت‌های تفکر خلاق موجب می‌شود فرد، دید جدیدی به مسئله بیابد و به‌منظور جست‌وجوی راه‌های شناختی جدید، از یک‌سری فنون و ابتکاراتی استفاده کند. این مهارت‌های شناختی کمک می‌کند که فرد از سبک‌های عملگرا استفاده کند؛ یعنی فرد را در پیگیری کار، مستمر و پرانرژی می‌کند (آمابیل، ۱۹۹۷). روت برنستاین[1] (۱۹۹۹) با بیش از یک دهه تحقیقات بر تفاوت شیوهٔ فکری افراد معمولی و بسیار خلاق مانند انیشتین، موزات، گودال وغیره[2] به این نتیجه می‌رسد: «کسانی که خلاقیت بالایی دارند هنگامی که با سؤالی مواجه می‌شوند، برخلاف افراد معمولی، از مجموعه‌ای از مهارت‌ها و ابزارهای فکری استفاده می‌کنند. ایده‌های آنها به‌طرز مرموز[3] جرقه[4] نمی‌زند، بلکه آنها از یک‌سری مهارت‌های فکری استفاده می‌کنند که قابل یادگیری هستند. مهارت‌های ساده‌ای مانند مشاهده، خلاصه‌کردن، شناخت الگو، شکل‌دادن به الگو، قیاس، تصور و غیره» (اسپونر، ۲۰۰۴).

الگوی مؤلفه‌ای اربن

اربن خلاقیت را فرایندی پیشرفته‌تر از آن می‌داند که الگویی ساده بتواند آن را شرح دهد؛ ازاین‌رو، ساختاری مرکب از اجزای در حال تعامل بین شناخت و شخصیتِ فرد خلاق ارائه می‌دهد که همین حالت تعاملی نیز بین محیط و فرد (شناخت و شخصیت او) وجود دارد. شناخت و شخصیت هرکدام سه نماینده در طرح دارند؛ سه عنصری که نمایندهٔ شناخت هستند از این قرارند:

- تفکر و رفتار واگرا،
- دانش و تفکر عمومی،
- دانش و مهارت تخصصی.

و سه عنصر دیگری که نمایندهٔ شخصیت می‌شوند عبارت‌اند از:

- تمرکز و تعهد وظیفه،
- انگیزش،
- آزادی و تحمل ابهام.

1. Root - Bernstein.
2. Albert Einstein, Jane Goodall, Amadeus Mozart, and H.G. Wells.
3. mysteriously.
4. spark.

اربـن مجموعـهٔ این شـش عنصر و زیرعنصرهـای آنها را بـرای پرورش تفکر خـلاق ضروری می‌داند، همان‌گونه که در شـکل زیر نشـان داده شده اسـت از مجموع نه اکتساب یکی یا برخی از آنها در پدیدهٔ خلاقیت بروز می‌کند؛ ازاین‌رو، اربن خلاقیت را نیازمند یک سیسـتم پویا[1] و تابعی[2] از عملکرد دیگر عوامل می‌داند که درصورت تبادل متعادل عناصر ضروری، فرد مسـتعد خلاقیت اسـت (اربن، ۲۰۰۳: ص ۱۷۲). میزان شـرکت زیرعناصر و تفاوت آنها و نحوهٔ جمع‌شدن آنها نیز بر چگونگی فرایند خلاقیت مؤثر اسـت. در هر سـطح خاص، مرحلهٔ خاص و موقعیت خاص هر زیرعنصـری عملکرد متناسـب بـا نقش خود را دارد که ایـن نقش به زیرعنصر مرتبط دیگر وابسـته اسـت. به‌عنوان مثال بهتر اسـت کسـی که در موضوعی تفکر عمیقی دارد سـپس به فکر استراحت می‌دهد و آن را به ناهشـیار می‌سـپارد بین این دو، موضوع دیگری واسطه نیاید و در زمان استراحت هم فقط اسـتراحت داشته باشـد تا اینکه زنجیرهٔ فرایند تفکر خلاق پاره نشود. به همین جهت طراح این مدل آن را «سیسـتم عملکرد مؤلفه‌ای خلاقیت»[3] معرفی می‌کنـد (اربن، ۲۰۱۱). نتیجهٔ چنین نگاهـی بـه خلاقیت، تنها تلاش برای رسـیدن به تصمیمی بهتر یا ارائهٔ ایده‌هـای فراوان در کمترین زمان نخواهد شـد، بلکه رشـد حلزونی[4] (دایره‌وار) متناسب تمامی شـخصیت مربی و متربی یک مبنای تربیتی برای خلاقیت خواهد بود (اربن، ۲۰۰۳).

1. Dynamic System
2. functional system
3. Componential system of creativity functional
4. Spiral development

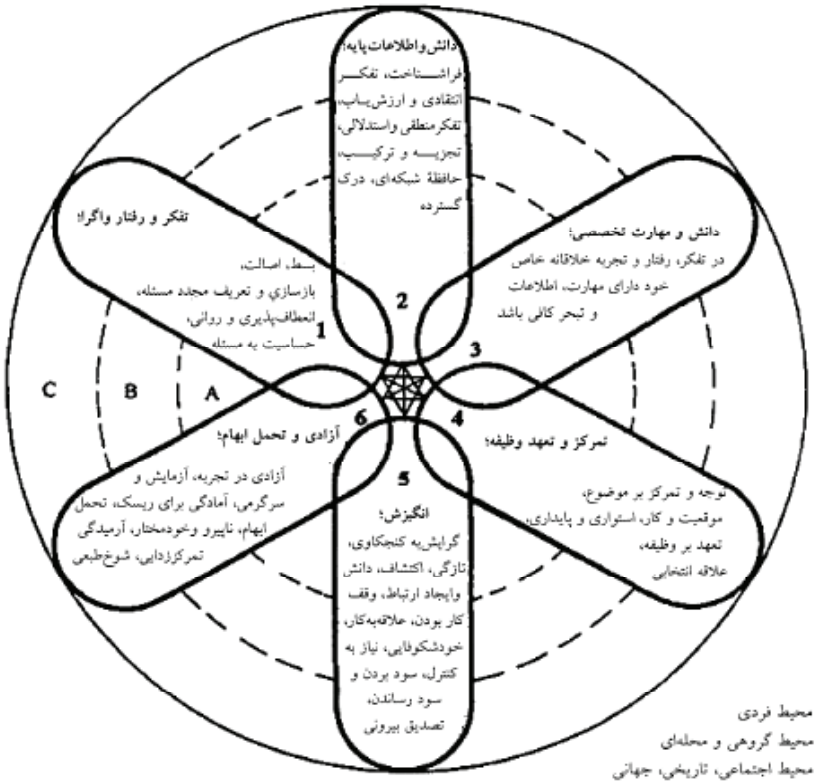

شکل۲. مدل مؤلفه‌ای اربن ۲۰۰۳

۱. تفکر و رفتار واگرا[1]

از زمانی که گیلفورد در دههٔ پنجاه قرن بیستم تفکر واگرا را معرفی کرد، تحقیقات و مقالات زیادی دربارهٔ آن نوشته شده است. برخی با نگاه محدود تفکر خلاق را همان تفکر واگرا دانسته‌اند اما درحقیقت، این نوع تفکر مهارتی در کنار دیگر مهارت‌های خلاقیت است که می‌تواند تولید نو و خلاقانه را به دنبال داشته باشد (اربن، ۲۰۱۱). اساس تفکر واگرا مبتنی‌بر حساسیت به مسئله، درک قوی، دانش گسترده، پردازش سریع اطلاعات، ذخیرهٔ انعطاف‌پذیر و شبکه‌ای اطلاعات است. اینها پیش‌فرض‌هایی هستند که تفکر مبتی‌بر تداعی، سیالی و انعطاف‌پذیری یا همان تفکر واگرا از آنها کمک می‌گیرد (اربن، ۲۰۰۳: ص ۱۷۴).

1. Divergent Thinking and Doing

حساسیت به مسئله،[1] یا همان توانمندی در یافتن مسئله، پیش‌فرض و نقطهٔ شروع حساسی برای تفکر خلاق است. واقعیتی که در یک محرک وجود دارد تفکر انسان‌ها را متمایز می‌کند، یکی را برمی‌انگیزاند اما دیگری که تفکر واگرا ندارد را خیر. این توانمندی به‌طور طبیعی و کم‌وبیش در انسان‌ها وجود دارد و از انگیزهٔ اکتشاف و پرسش نشئت می‌گیرد و قابلیت رشد یا افول دارد (همان).

۲. تفکر و اطلاعات عمومی[2]

فرایند خلاقیت نیازمند بازآفرینی، بازسازی و تعریف جدید از مشکل است که این موارد ضرورت زیرعنصرهای **تجزیه و ارزش‌یابی**[3] را روشن می‌کند. یعنی فاز اول خلاقیت نیازمند جمع‌بندی اطلاعات گستردهٔ موجود در ذهن است و این به کمک **تجزیه، استدلال و تفکر منطقی**[4] حاصل می‌شود و در فاز دوم، همین اطلاعات با یکدیگر و با **تفکری انتقادی** و به منظور **ارزشیابی**[5] سنجیده می‌شوند که در این زمان، باروری درک دقیق و **بسط**[6] ایدهٔ خلاقانه روی می‌دهد. به عقیدهٔ اربن، اینکه برخی برای خلاقیت آستانهٔ هوش معرفی کرده‌اند درواقع، ترکیبی از دو مؤلفهٔ تفکر واگرا و دامنهٔ اطلاعات عمومی وسیع فرد است که می‌تواند جایگزین آن اندازه از آستانهٔ هوشی شود (اربن، ۲۰۰۱: ص ۴۹۰).

۳. مهارت و دانش تخصصی[7]

تحقیقات زیادی مانند ویزبرگ[8] (۱۹۹۹) براون[9] (۱۹۸۹) هایس[10] (۱۹۸۹) نشان می‌دهند که دریافت‌های خلاقانه درصورتی‌که ارتباطی با تخصص فرد نداشته باشند ناقص یا اشتباه خواهند بود، دریافت‌های خلاقانه بستگی به در دسترس‌بودن و نزدیکی ایده‌ها به پشتوانهٔ خود دارند و این نیازمند یکپارچگی دانش و تجربه در حوزهٔ خاص تکلیف مربوط به آن است (اربن، ۲۰۰۳: ص ۱۷۵).

---

1. Problem sensitivity
2. General Knowledge and Thinking Base
3. analyzing and evaluating
4. Analyzing, reasoning, and logical thinking
5. critical and evaluative thinking
6. elaboration
7. Specific Knowledge Base and Specific Skills
8. Weisberg
9. Brown
10. Hayes

۴. تمرکز بر وظیفه و تعهد به آن[1]

در مسیر رشد و شکوفایی خلاقیت، ضرورت دارد فرد خلاق به منظور دستیابی به اطلاعات و تجربیات عمومی و تخصصی بر نظم و **پایداری**[2] بر هدف متعهد باشد. همچنین، برای حل مشکلات یک مسئله و ایجاد ارتباط بین زوایای مختلف یک موضوع نیازمند **تمرکز توجه**[3] برای مدت طولانی و با شدت‌های مختلف است؛ علاوه‌براین، خصلت تمرکز و **انتخاب‌گری**[4] برای شیوهٔ جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و برنامه‌ریزی جزئیات اطلاعات، ضروری می‌نماید (اربن، ۲۰۰۱: ص ۴۹۰).

۵. انگیزه

علایق فردی انسان‌ها را مانند آهنربا به سمت خود می‌کشانند و این خصیصه ایشان را از یکدیگر متمایز می‌کند. اما گرایش به اکتشاف و دانستن و همچنین، نیاز به تازگی و کنجکاوی[5] به‌وسیلهٔ والدین و محیط آموزشی در فرد تقویت می‌شود. اربن (به نقل از هایس، ۱۹۸۹) می‌گوید: تفاوت شناختی کاملی بین افراد خلاق با غیرخلاق نیست مگر اینکه افراد خلاق چون انگیزهٔ بالایی دارند تفاوت‌های شناختی را نشان می‌دهند. به‌عنوان مثال، شدت علاقه بین آن دو در کسب‌کردن اطلاعات و مهارت‌های لازم موجب خلاق‌شدن یکی و گرایش به خلاقیت کمتر در دیگری می‌شود (اربن، ۲۰۱۱).

۶. گشودگی به تجربیات جدید و تحمل ابهام[6]

قدرت مقاومت در برابر فشار مجهولات و عدم حضور پاسخ مناسب، برخی را از پیگیری مسئله بازمی‌دارد. در این هنگام احتمال دارد این افراد دو خطا مرتکب شوند: الف) به‌صورت غیراستاندارد و با صرف زمان زیاد خواستار رفع مشکل هستند و ب) با اندک تلاش خود را عاجز می‌بینند و دست از کار می‌کشند اما افراد خلاق درصورت نیافتن جواب با راهکارهای خلاقانه مسئله را از ذهن جدا کرده و برای مدتی آن را به ناهشیار می‌سپارند و با برگشت زودهنگام و پرانرژی دوباره به آن مشغول می‌شوند (همان).

1. Focusing and Task Commitment
2. persistence
3. Focus of attention
4. Selectivity
5. The need for novelty, curiosity, drive for exploration and knowledge
6. Openness and Tolerance of Ambiguity

نکته. شرایط محیطی

به عقیدهٔ اربن فرایند خلاقیت و سطح آن برای رسیدن به محصول خلاقانه تنها به مؤلفه‌هایی که پیش‌تر توضیح آنها گذشت وابسته نیست. بلکه برای رسیدن به این نتیجه و کیفیت آن باید گشتالت خلاقیت یعنی تمامی اجزا و شرایط خلاقیت فراهم شود. موفقیت و مقبولیت در یک محصول خلاقانه به این موضوع بستگی دارد که ازیک‌سو، این کار دارای فصاحت، نوآوری و قدرت سرایت باشد و ازدیگرسو، توسط خود فرد و افراد مهم پذیرفته شده و ارزش‌گذاری مناسبی برای آن صورت بگیرد. پویایی و تحرک فرد خلاق وابستگی شدیدی به تربیت، ترویج، تشویق و هیجان‌بخشی و یا دلسردکنندگی و ایجاد مانع ازطرف محیط دارد. اربن معتقد است با درنظرگرفتن شیب تند رشد خلاقیت در کودکی، ضرورت دارد که «سیستم عملکرد مؤلفه‌ای خلاقیت» در سه محیط مختلف اما مرتبط به هم در این مدل لحاظ شوند، این سه محیط از این قرارند:

A: محیط فردی و خصوصی: که مستقماً متأثر از محیط اجتماعی، جسمانی و روانی است.

B: محیط گروهی و محله‌ای: که متأثر از خانواده، همسالان، مدرسه، محیط آموزشی و محیط کوچک است.

C: محیط اجتماعی، تاریخی، جهانی: شرایط سیاسی، فرهنگی و علمی در کلان‌محیط بر فرد مؤثر است (اربن، ۱۹۹۱).

معرفی الگوی پنج مؤلفه‌ای خلاقیت از اسلام

خلاقیت به توانایی ارائهٔ فکر و محصول نو که مفید و باارزش تعریف شده است و دو دانشمند مذکور دست‌کم بر سه مؤلفهٔ تفکر خلاق، انگیزه و اطلاعات تخصصی و عمومی، برای خلاقیت توافق داشتند؛ ازاین‌رو، طبق این تعریف باید در ابتدا بررسی شود که آیا در متون اسلامی این مفهوم یافت می‌شود؟ اگر آری مؤلفه‌های رشد آن کدام‌اند؟

اگر با تعریف سابق از خلاقیت متون اسلامی بررسی شود، آنچه از خلاقیت و مؤلفه‌های آن منظور است در برخی استعمالات ریشه‌هایی مانند؛ «حول، فطن، حزم، عقل، علم، کیس، بصر، حکم و ...» به‌دست می‌آید. در ادامه خلاصه‌ای از مستندات مطرح می‌شوند.

واژهٔ خلاقیت از ریشهٔ «خَلَق» استخراج شده است و معنای لغوی آن در زبان فارسی به معنای قدرت آفریدن و به‌وجود آوردن و یا به نیرویی که موجب خلق آثار بدیع می‌شود تعبیر شده است (معین، ۱۳۶۲: ج ۱، ص۱۴۳۳و دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۶، ص ۸۶۹۶) و در زبان عرب، به گفتهٔ ابن‌منظور در لسان العرب دو مادهٔ اصلی دارد: ۱.آفرینش چیزی بدون الگو و ۲. تقدیر (ابن‌منظور،

۱۴۱۴ ق: ج ۱۰، ص ۸۵). تقدیر در بحث «خلق»، این‌چنین معنی می‌شود: سنجش و اندازه‌گیری چیزی برای ساختن چیزی دیگر (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۸، ص ۱۸۸). مشتقات ریشهٔ «خلق» در متون دینی دربارهٔ خلقت خداوند به‌کار گرفته شده‌اند و این واژه برای خلاقیت انسان به معنایی که گذشت به‌کار نرفته است. خلقت خداوند با انسان غیر از تعداد، تنوع، بزرگی و زیبایی تفاوت دیگری دارد، و آن اینکه خلاقیت خداوند آفرینشی مستقل از الگو و بدون کمک از هر وجودی است. امام رضا علیه‌السلام دراین‌باره می‌فرماید: ستایش مخصوص خدایی است که با قدرت و حکمت خویش، اشیا را از چیزی نیافرید تا اختراع صادق نیاید و نه به علّت چیزی توجه کرد، تا درنتیجه، ابداعی در کار نباشد (ری‌شهری، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۲۵۴). البته خداوند توصیه می‌کند مؤمنین خود را به ویژگی‌های نام‌های خداوند نهادینه کنند: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» (بقره: ۱۳۸). اطلاق این امر پسندیده دربرگیرندهٔ مزین‌شدن به صفت خالقیت است و خالقیت در انسان، همان خلاقیت و ایجاد امور نو و مفید، البته در توان انسان است.

حیله و مشتقات آن واژهٔ دیگری است که رسانندهٔ معنای خلاقیت هستند. این واژه مشتق از «حول» است و بنابر گفتهٔ ابن‌فارس در مقاییس‌اللغه، یک اصل دارد و آن به معنای «تحرّک و دگرگونی در اطراف چیزی است». حیله و مشتقات آن نیز از این ریشه گرفته می‌شوند؛ چراکه افکار فرد اطراف چیزی دور می‌زنند تا آن را درک کند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج۲، ص ۳۱۷). در متون اسلامی مشتقات این ریشه در معنای «چاره‌جویی با سبکی جدید و همراه با ذکاوت» به‌کار رفته است. امام سجاد علیه‌السلام از خداوند برای مسلمین قدرت خلاقیت و چاره‌جویی را طلب می‌کند و برای دشمنان اسلام ناتوانی در خلاقیت را دعا می‌کند. «اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِكَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ ... وَ أَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الِاحْتِيَالِ» (دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه)، یا امیرالمؤمنین علیه‌السلام حیله را در کاربردهای مثبت و منفی وارد دانسته و این‌گونه معرفی می‌کند: «امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر مردم حیله و نیرنگ را زیرکی می‌پندارند، و افراد جاهل آنان را زیرک و خلاق می‌خوانند... کسی که مسائل را بسیار می‌گرداند و بسیار تغییر می‌دهد، هم پیش‌روی حیله و هم پشت آن را می‌بیند. ولی امر و نهی پروردگار مانع او است و با اینکه قدرت انجام آن را دارد آن را به روشنی رها می‌کند. امّا آن فردی که از مخالفت با دین خدا پروا ندارد، از فرصت‌ها برای نیرنگ بازی استفاده می‌کند»[1] (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج۱۰، ص ۳۱۹). در این کلام

۱. «لَقَدْ أَصْبَحْنَا فِي زَمَانٍ قَدِ اتَّخَذَ أَكْثَرُ أَهْلِهِ الْغَدْرَ كَيْساً وَ نَسَبَهُمْ أَهْلُ الْجَهْلِ فِيهِ إِلَى حُسْنِ الْحِيلَةِ مَا لَهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ قَدْ يَرَى الْحُوَّلُ الْقُلَّبُ وَجْهَ الْحِيلَةِ وَ دُونَهَا مَانِعٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ فَيَدَعُهَا رَأْيَ عَيْنٍ بَعْدَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهَا وَ يَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ».

حضرت برای نشـان‌دادن آشنابودن خود به تمامی راهکارهای موجود و توجه‌دادن به معنای «حیله» از «الْحُوَّلُ الْقُلَّبُ» اسـتفاده کرده‌اند و همچنان‌که علامه مجلسـی، آیت‌اللـه خویی و دیگران معنا کرده‌اند حضرت می‌رسـاند که با دگرگونی و تغییر زیادِ مسـائل، به تمامی راه حل‌ها اشـراف دارد و علت عدم اجرای آنها مانع دیگری اسـت (خویی، ۱۴۰۰ ق: ج۴ ، ص۱۹۴؛ مجلسـی، ۱۴۰۳ ق: ج ۳۴، ص ۱۰۳)؛ علاوه‌برایـن، حیلـه دربرگیرنـدۀ مؤلفه‌های خلاقیت ـ کـه در ادامه می‌آید ـ نیز اسـت. چراکه خلاقیت به‌واسطۀ اطلاعات عمومی و تخصصی به‌دسـت می‌آید. همچنان که علی علیه‌السّـلام می‌فرماید: «مَن جَهِلَ وُجُوهَ الآراءِ أعْيَتْهُ الحِيَلُ» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۵۸۴). همچنین، «حیله ثمرۀ تفکر است» (همان: ص ۳۲). اگرچه خلاقیت و چاره‌جویی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، با درنظرگرفتن معنای لغوی این واژه در زمان و کاربردی که اهل‌بیت علیهم‌السلام لحاظ داشته‌اند این واژه به معنای خلاقیت نزدیک‌تر است.

کلیدواژۀ بعدی که در موارد زیادی همراه با حیله نیز آمده، «فَطَن» اسـت (مجلسـی، ۱۴۰۳ق: ج۳، ص ۸۲). این ریشه در متون اسلامی و ادبیات عرب به دو معنا آمده است: معنای اول دلالت بـر توانایـی فهم و درک عمومـی دارد و معنای دوم زیرکی همراه با تیزبینی را می‌رسـاند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۵۱۰). در کلام معصومین این واژه در معنایی نزدیک به خلاقیت یا تیزهوشـی بسیار به‌کار آمده است و رسانندۀ زیرکی، سرعت، حل مسئله و سودمندی این نوع تفکر است. مانند این کلام امیرالمؤمنین علیه‌السـلام که می‌فرمایند: «فَلَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تُنَالُ بِفِطْنَةٍ وَ فَضْلٍ وَ عَقْلٍ نِلْتُ أَعْلَى الْمَرَاتِبِ وَ لَكِنَّمَا الْأَرْزَاقُ حَظٌّ وَ قِسْـمَةٌ، بِفَضْلِ مَلِيكٍ لَا بِحِيلَةِ طَالِب»: «اگر رسـیدن به دنیا با زیرکی، برتری و عقل بود من به بالاترین مراتب آن می‌رسـیدم اما روزی بهره‌ای اسـت تقسیم‌شده، که به چاره‌جویی طالب دنیا نیسـت بلکه به فضل مالک اسـت» (مجلسـی، ۱۴۰۳ ق: ج۳۴ ، ص ۳۹۷). در این روایت سـه واژۀ «فطن» با «فضل» و «عقل» جدا شـدند و نشان‌دهندۀ تفاوت دقیق معنایی این سه ریشه است. اما در انتهای روایت از فطنه استفاده نشده و مرادف آن یعنی حیله آمده و رسانندۀ اشتراک معنایی این دو واژه است.

کلیدواژۀ بعدی «حکم» با معنای اصلی «منع» است که مصداق آن در قضاوت منع از ظلم، در علم منع از جهل و در رفتار از منع عمل زشت معنا می‌شود (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ص ۹۱). در اصطلاح علاوه‌بر همین معنا «حکم» به معنای شـناخت بهترین اشـیا با بیشـترین دانش آمده و همچنین، به کسـی که مصنوعات پیچیده‌ای دارد و در کارش سستی نیست حکیم گفته می‌شود، به کلام نافع که از جهل ممانعت می‌کند نیز حکمت گفته می‌شود (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۴۱۹). در جمع‌بندی تعاریف اصطلاحی حکمت، مفسران کمتر معنای اصلی را در نظر گرفته‌اند و برخی

به مصادیق و مبادی حکمت به‌عنوان مفهوم حکمت بسنده کرده‌اند. بااین‌حال، «حکم» استعمال گسترده‌ای در متون دینی دارد که سه معنی آن بروز بیشتری دارد:[1]

۱. قضاوت: «فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا» (نساء: ۳۵)،

۲. استوار، محکم و نفوذناپذیر: «وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» (یس: ۲)

۳. علم و دانش خاص: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (البقره: ۲۶۹).

درنهایت، با توجه به معنای اصطلاحی «حکم» در متون اسلامی به‌دست می‌آید که «حکمت» برداشتی دقیق، اشراقی، جدّی و واقعی است که به کمک عقل و توان بالای علمی به‌دست می‌آید و محصول آن در جهت سعادت و تکامل انسان به‌کار می‌آید. درنتیجه، جایی که نتیجهٔ تفکر تولید محصول نو برای رشد و رفاه مادی (نه انسانی) باشد، حکمت گفته نمی‌شود.

کلیدواژهٔ «عقل» در منابع اسلامی به‌صورت خلاصه در معانی زیر آمده است (ری‌شهری و همکاران، ۱۳۷۸):

۱. نیرویی که با آن خوبی‌ها، بدی‌ها، تفاوت‌ها و زمینه‌های آن شناخته می‌شود درمقابل دیوانگی قرار دارد و به این معنا عقل معیار تکلیف می‌شود.

۲. معنای دوم عقل، تعقل، تفکر و اندیشیدن است و در برابر جهل و سفاهت قرار می‌گیرد.

۳. معنای سوم عقل ملکه‌ای است که به انتخاب خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها فرامی‌خواند و به جوهر و حقیقت عقل اشاره دارد که روح آن، درک خیر انسان، خداجویی و خداپرستی است.

۴. معنای دیگر عقل با علم یکی شده و شامل مواد اطلاعاتی و دانش است که افراد آن را کسب می‌کنند.

در مبحث الگوهای خلاقیت اشاره می‌شود که ازنظر صاحب‌نظران خلاقیت، از لوازم خلاقیت و محصول خلّاقانه، اندیشهٔ درست همراه با اندوختهٔ علمی و عملی مناسب است. درنتیجه، اگرچه عقل، علم، فکر و مشتقات آنها در متون اسلامی، اشارهٔ مستقیم به خلاقیت ندارند، رشد و تقویت عقل و علم برای رسیدن به خلاقیت ضروری است و «عقل» در متون دینی با خلاقیت هم‌ردیف نیست.

با توجه به کلیدواژگانی مطرح‌شده و واژگان کلیدی دیگر، در این تحقیق پنج مؤلفهٔ بنیادین از خلاقیت از متون اسلامی استخراج شده است. حفظ و رشد این مؤلفه‌ها و خلاقیت از نگاه متون دینی نیازمند محیط غنی و مناسب هستند که توضیح آن در این مقاله نمی‌گنجد. این پنج مؤلفه

۱. رضا برنجکار، مفهوم حکمت در قرآن وحدیث، سایت دانشگاه علوم حدیث.

مطابق شکل ۳ با جمع اشتراکی خود خلاقیت را شکل می‌دهند.

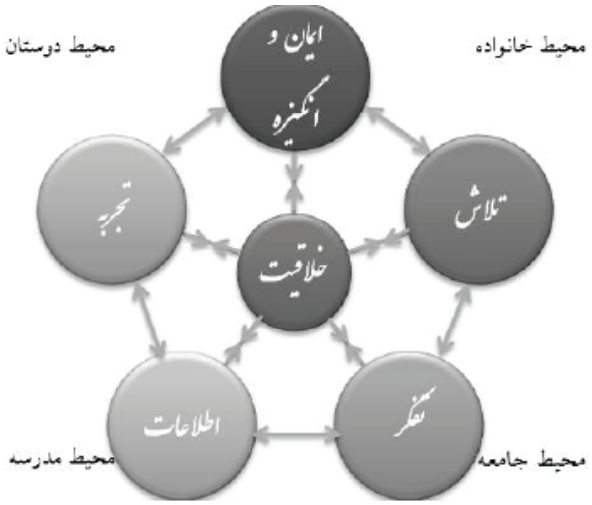

شکل۳. الگوی خلاقیت در اسلام

۱. کمیت و کیفیت تفکر

شواهد زیادی از قرآن به شکل تشویق یا تنبیه، برانگیزانندهٔ تفکر هستند.[۱] آیات و روایات دعوت‌کننده به تفکر دو قسم هستند؛ گروهی به تفکر در راستای خداشناسی، خداگروی و علوم دینی تشویق می‌کنند و گروهی نیز تفکر در علوم و طبیعت را به‌طور مطلق تشویق و تأکید می‌کنند و بحث این مقاله در قسم دوم است.

علی علیه‌السلام اهمیت تفکر را بالاتر از حفظ و تعلیم دانش معرفی می‌کند (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۵۶)؛ چراکه اندیشیدن در اندوخته‌های علمی موجب بازآرایی، تنظیم و بسط اطلاعات و درنهایت، حل خلاقانهٔ مسئله می‌شود. مستندات زیادی دلالت دارند براینکه تفکر به همراه راهکارهای تقویت کیفی آن منجربه ایده‌های جدید (خلاقیت) می‌شوند. مانند:

- «مَنْ أَكْثَرَ الْفِكْرَ فِيمَا تَعْلَمُ أَتْقَنَ عِلْمَهُ وَ تَفَهَّمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَم»: «کسی که در آموخته‌های خود زیاد بیندیشد دانش او استوار شده و آنچه را که نمی‌فهمیده می‌فهمد (به چیزهای

۱. مانند (بقره:۲۵۹) (غاشیه: ۱۷ تا ۲۰) (مؤمنون: ۶۸) (اعراف: ۸۴) (انعام: ۱۱) (عنکبوت، ۲۰) (حج: ۴۶) (بقره: ۲۱۹، ۲۶۶) (انعام: ۵۰) (نحل: ۱۱، ۴۴، ۶۹) (روم: ۸، ۲۱) (نساء: ۸۲) (محمد: ۲۴) (بقره: ۴۴، ۷۳، ۷۶، ۱۶۴، ۲۴۲) (اعراف: ۱۵۱، ۱۶۹) (انفال: ۲۲) (یونس: ۱۶، ۱۰۰) (یوسف: ۲، ۱۰۹) وغیره.

جدید دست می‌یابد)» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ص ۵۷).

- «بِالْفِكْرِ تَنْجَلِي غَيَاهِبُ الْأُمُور»: «با تفکر تاریکی کارها روشن می‌شود» (همان: ص ۱۸۹).
- «مَنْ أَعْمَلَ فِكْرَهُ أَصَابَ جَوَابَه»: «کسی که فکر خود را به‌کار گیرد به جوابش خواهد رسید» (همان: ص ۶۱۰).
- «صَوَابُ الآرَاءِ بِإِجَالَةِ الْأَفْكَار»: «ایده‌های درست با گردش و جولان افکار به‌دست می‌آید» (همان: ص ۴۱۹).
- «رَأْسُ الِاسْتِبْصَارِ الْفِكْرَة»: «اساس بینش جدید تفکر است» (همان: ص ۵۷).

افزایش کمیت تفکر باید به افزایش کمیت ایده‌ها منجر شود تا درنتیجه، به تصمیم‌گیری آسان‌تر و خلاق‌تر نزدیک شود. اسلام می‌گوید که فرد باید در مقام تصمیم‌گیری تعداد ایده‌های بیشتری داشته باشد تا بتواند از بین آنها بهترین را برگزیند یا با هم‌اندیشی بتواند مسیر درست را بازشناسد مانند: «صاحبان خرد و هدایت‌یافتگان آنهایی هستند که نظرها را می‌شنوند و بهترین آنها را برمی‌گزینند» (زمر: ۱۷) و کلام امیرالمؤمنین علیه‌السّلام: «نظرات دیگران را جمع‌آوری کنید و بهترین و کم‌ضررترین آنها را انتخاب کنید» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ص ۴۶)، و یا راهکارهای دیگر را برگزینند: «کسی که ایده‌های اندک و ضعیف داشته باشد و همچنین برای اجرای آنها ارادهٔ کافی از خود نشان ندهد به جایگاه شایستهٔ خود نخواهد رسید» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۳۶۳: ص ۳۱۸).

علاوه‌بر تشویق به بالابردن کمیت تفکر و ایده، برای بالابردن کیفیت اندیشه نیز در متون اسلامی راهکارهایی برداشت می‌شود، مانند هم‌اندیشی، تخیل و نگاه به جوانب، متناظریابی، تحلیل اطلاعات، الگوبرداری از طبیعت، پرسش‌های هدایت‌شده و مانند اینها، در کنار این راهکارها بر شناخت الگوهای غلط فکری و موانع تفکر خلاق نیز در متون اسلامی تأکید می‌شود. توضیح این راهکارها و موانع نیاز به نوشتار تفصیلی دیگری دارد (علی‌گلی و ساجدی، ۱۳۹۴).

۲. اطلاعات عمومی

اطلاعات گسترده مسیر تفکر را روشن می‌کند. در متون دینی خلاقیت با اندوزش میزان وافری از دانش حاصل می‌شود. از نگاه این منابع، انسان برای آفرینشگری نیاز به منبع غنی از اطلاعات دارد. مستندات زیادی نشان می‌دهند که دانش زیاد، اندیشه را رشد می‌دهد و آن را بارور می‌کنند، مانند:

- «الْعِلْمُ يُنْجِدُ الْفِكْرَ»: «دانش فکر را رشد می‌دهد»[1] (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۴۲).

۱. «نجد» به معنای رشد و ارتفاع است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج۱۲، ص۳۵).

- «الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ»: «اندیشیدن غریزه‌ای است که با علم و تجربه زیاد می‌شود» (همان: ص۹۱).
- «الْعِلْـمُ يُنْجِيـكَ الْجَهْـلُ يُرْدِيكَ»: «علم موجب نجات توسـت و بی‌سـوادی تـو را نابود می‌سازد» (همان: ص ۴۱).
- «كَثْرَةُ النَّظَرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ»: تأمل زیاد در دانش، راه‌های اندیشـیدن را برای انسـان می‌گشاید (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۵۹).

اطلاعـات عمومی وسـیع پیوندهای ذهنی بیشـتری ایجاد کرده و موجب می‌شـود تا ایده‌های جدید تراوش کنند؛ به‌عبارت دیگر، کسی که اطلاعات بیشتری در انبار ذهن خود آماده دارد نگاه او به مسائل متفاوت خواهد بود و درنتیجه با سربلندی از مسائل عبور می‌کنند.

بـرای تقویـت انگیزهٔ دانش‌پژوهان برای رسـیدن به ایـن مرحله، در این متون بـر همه و در هر حالی کسب علم به‌عنوان یک واجب تکلیف شده و ثواب الهی را به دنبال دارد (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹: ج۲، ص ۱۴). البته علم و علم‌آموزی در اسلام بر دو نوع است: اول، علم دین (خداشناسی و جهان‌بینی) که وجوب و تأکید آن بر بقیهٔ علوم مقدم اسـت و ضرورت آن والاتر اسـت (مجلسی، ۱۴۰۸ق: ج۱، ص۲۱۵ و ۲۲۳)؛ دوم، علومـی کـه بقا و تعالی هر اجتماعی مرهون آن اسـت و به اندازهٔ نیاز جامعهٔ اسـلامی وجوب و ضرورت دارد. توصیه به تلاش و تفکر بر علومی که به تقویت ایمان و خودشناسی منجر می‌شوند با سازوکاری متفاوت بر خلاقیت اثرگذار است؛ چراکه مذهب با تأثیر بر سبك زندگی و چگونگی حل تعارض‌های جهان‌شناختی، به دو سؤال اساسی انسان دربارهٔ هدف زندگی و معنای فعالیت‌ها و اسـتعدادهای او پاسـخ می‌دهد و بدین‌ترتیب، به وحدت‌یافتگی سـازمان روان‌شناختی و معنوی و خودنظم‌دهی انسـان کمك می‌کند (برامر[1] و همکاران، ۱۹۹۳). انضبـاط، علم‌خواهی، بی‌باکی، انعطاف‌پذیری، آرامش، اهداف روشـن و انگیزش ازجمله صفاتی هستند که ایمان اسلامی در شخصیت فرد تزریق می‌کنند (نهج‌البلاغه، خطبه همام). درصورتی‌که محققانی مانند پرکینز[2] فیسـت،[3] سـیلویا[4] نیز برای افراد خلاق صفاتـی در همین محدوده یافته‌اند (اگروال و باتیا،[5] ۲۰۱۱).

1. Berammer L .M, Abrego P, Shostrom E.L.
2. Perkins
3. Gregory J. Feist
4. Paul J. Silvia
5. yasha aggarwal & neha Bhatia

گستراندن اطلاعات عمومی در همهٔ تخصص‌ها در توان عادی انسان‌ها نیست و ازطرفی، رهاکردن آنها نیز به این دلیل معقول نیست؛ ازاین‌رو، رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «علوم بیشتر از آن هستند که بتوان همه را جمع کرد اما از آنها بهترین را برگزین» (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹: ج۲، ص۱۵). داشتن اطلاعات جنبی و راهکارهایی که در رشته‌های دیگر به‌کار می‌آیند موجب تداعی آنها برای حل خلاقانهٔ مسئله در شکلی تراکمی اما جدید در حوزهٔ تخصصی فرد می‌شود. به همین جهت برای نوآوری در مسائل توصیه می‌شود که علاوه‌بر تبحر کامل بر رشتهٔ تخصصی، فرد در رشته‌های مرتبط دست‌کم از سرخط‌های فکری و راهکارهای حل مسئلهٔ آنها مطلع باشد (فیست، ۱۹۹۸).

بااین‌حال، اطلاعات عمومی بدون دانش تخصصی به حلّ خلاقانهٔ مسائل نمی‌انجامد. امیرالمؤمنین علیه‌السّلام تأکید داشت فرد باید بیشترین تلاش خود را در جایگاه مناسب، یعنی در حیطه‌ای که تخصص دارد به‌کار گیرد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۵۴) و در جای دیگر از مدیران می‌خواهد افراد متخصص را در جایگاه شایسته‌شان به‌کار گیرند (ابن‌أبی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق: ج ۲۰، ص ۲۷۶). اهل‌بیت علیهم‌السّلام با توجه به تخصص و استعداد افراد با ایشان تعامل داشته و فراخور توان فرد از او انتظار داشتند (کلینی، ۱۳۷۵، ج۲: صص ۲۹- ۲۱) در طرف مقابل، امام کاظم علیه‌السّلام می‌فرماید: «اگر دانش تخصصی در جای خود به‌کار گرفته نشود، نتیجهٔ آن عدم‌نیل به اهداف و زیان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج۱، ص ۲۱).

۳. تجربهٔ تخصصی

حفظ و یادگیری اگرچه به‌عنوان یک معیار در رسش خلاقیت معتبر است، ذهن خلاق بدون تجربه خام بوده و ایده‌های آن دور از واقع است. داشتن تجربه و خبرگی در موضوع به این معنا است که فرد در یک موضوعِ مشخص، دست‌ورزی داشته و با تکرار و تمرین به اصول و قوانین مربوط به آن دست یافته باشد. در این صورت زوایای پنهان مسائل بعدی به‌واسطهٔ این اصول فراگرفته روشن‌تر شده و ایده‌های جدید و تغییر سودمند دست‌یافتنی‌تر خواهد شد. برخی از شواهدی که تجربه را به خلاقیت پیوند می‌زنند شامل موارد زیر هستند:

- «عِنْدَ الْخِبْرَهِ تَنْکَشِفُ عُقُولُ الرِّجَال»: «با تجربه‌اندوزی عقل انسان‌ها شکوفا می‌شود» (خوانساری، ۱۳۶۶: ج۴، ص ۳۲۲).
- «وَ فِی التَّجَارِبِ عِلْمٌ مُسْتَأْنَفٌ وَ فِی تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمُ جَوَاهِرِ الرِّجَال»: «میدان تجربه خود تولیدکنندهٔ علم است و با دگرگونی حالت‌ها جوهره انسان‌ها مشخص می‌شود»

(محمدبن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ج۴، ص ۳۸۸).

- «الْعِلْـمُ يُرْشِـدُكَ وَ الْعَمَـلُ يَبْلُغُ بِكَ الْغَايَه»: «یعنی علم‌آموزی موجب رشـد اسـت ولی رسیدن به مقصود به‌واسطهٔ تجربه به‌دست می‌آید» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۴۵).
- «لَيْـسَ الْعِلْـمُ بِكَثْرَةِ التَّعَلُّـمِ ... وَ اطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْـتِعْمَالِهِ»: «بـا کلاس رفتن علم حاصل نمی‌شود بلکه علم با به‌کارگیری آن به‌دست می‌آید» (شهیدثانی، ۱۴۰۹ ق: ص ۱۴۹).

درمقابل، جایی که فرد فاقد تجربه و مهارت باشد، ایده‌ها قدرت و نفوذ کافی ندارند و درنتیجه این‌گونه اظهارنظرها را همان‌گونه که رسـول‌گرامی اسـلام فرموده باید در میدان عمل کنار گذاشت (طبرسـی، ۱۳۷۰: ص ۴۴۲).[1] درنتیجـه کار و تجربه در کنار علم‌آموزی، موجب تقویت و رشـد انسـان شـده و کم‌کاری و بی‌تجربگی شکسـت و سسـتی را به‌دنبال دارد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق: صص ۱۵۸ و ۱۵۲).[2]

این شـواهد و غیر از اینها دلالت بر اهمیت نقش تجربه در علم‌اندوزی و نهایتاً خلاقیت دارد؛ امری که امروزه در مراکز علمی به علت هزینه‌بربودن، خلاق‌نبودن یا آگاهی‌نداشتن والدین، مدیران یا مربیان، آموزش‌ها اغلب به‌صورت حافظه‌محور ارائه می‌شوند. برخی والدین سعی می‌کنند نتایج کار را مستقیماً در غالب توصیه یا تهدید به فرزندانشان انتقال دهند. اگر جامعه‌ای با مهارت‌اندوزی به پختگی لازم نرسـد طبق فرمایش امام جواد علیه‌السّـلام خسـارت و زیان آنها را تهدید می‌کند. ایشـان می‌فرماید: «کسـی که بدون پشـتوانهٔ تجربه و مهارت در امری بی‌مهابا اقدام کند، خودش را به‌سختی می‌اندازد و یا حتی انتظار نابودی می‌رود» (مجلسی، ۱۴۰۸ق: ج ۷۵، ص ۳۶۴).[3]

۴. ایمان و انگیزش

عنصر انگیزشی در اسلام پیوند محکمی با بینش دارد، یعنی هرچه بینش در توحید الهی یکپارچگی بیشـتری می‌یابد بر نفوذ و شدت انگیزش در جریان امور زندگی نیز افزوده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ص ۱۹۱). بر اسـاس منابع دینی آموزش علوم دینی که مسـیر زندگی و رابطهٔ فرد را با خود، خـدا و محیط روشـن می‌کند از مقدم‌ترین و مهم‌ترین وظایف سیسـتم آموزشـی و والدین اسـت (مجلسـی، ۱۴۰۸ق: ج۱، ص ۲۲۳).[4] بینـش و گرایـش صحیح و قوی موجب می‌شـود تا فرد در

۱. «يَا عَلِيُّ لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ وَ لَا فِي نَظَرٍ إِلَّا مَعَ الْخِبْرَةِ».
۲. «مَنْ يُقَصِّرْ فِي الْعَمَلِ يَزْدَدْ فَتْرَةً».
۳. «مَنِ انْقَادَ إِلَى الطُّمَأْنِينَةِ قَبْلَ الْخِبْرَةِ فَقَدْ عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْهَلَكَةِ وَ الْعَاقِبَةِ الْمُتْعِبَةِ».
۴. «قَالَ علیه‌السـلام فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَـنِ علیه‌السّـلام إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ

تمامی مسیر زندگی همین رابطه و معرفت صحیح با خدا و جهان را محور تمامی فعالیت‌های خود قـرار دهد. این حضور نزدیک خداوند در زندگی، علاوه‌بر ایجاد آرامش، اعتمادبه‌نفس و سـلامت روان، موجب یکپارچه‌سازی نظام شـخصیتی و انگیزشی می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶)؛ ازاین‌رو، محققانی مانند ادواردز و همکاران[1] (۲۰۱۰) وینک و میشل[2] (۲۰۰۸) کندی و کانتامانی[3] (۱۹۹۵) و دیگران معنویت را از عوامل تقویت‌کنندهٔ ایده‌های خلاقانه سنجیده‌اند (پاول و میخائیل، ۲۰۰۸؛ کنـدی و کانتامانی، ۱۹۹۵). البته منظور ایشـان از معنویت[4] «احسـاس وابسـتگی و درهم‌تنیدگی عمیق و به‌شـدت شهودی بین انسان و جهانی اسـت که در آن زندگی می‌کند» (کاوانگ،[5] ۱۹۹۹) روشن است که برداشت این تحقیقات از معنویت با ایمان و دینداری[6] که در قرآن و متون دینی شیعه از پایه‌های خلاقیت به‌حساب آمده بسیار متفاوت است.

در آیـات زیـادی از قرآن کریم ایمان و عمل صالح (تقوا) و برگشـت به‌سـوی خدا سبب‌سـاز بازشـدن درهای برکت،[7] رحمت[8] قدرت،[9] راهکارها[10] و اشـراق[11] بر فرد می‌شـود. آیاتی که در ادامه می‌آیند ازآنجاکه کلیت و اطلاق دارند، شـامل دسـتگیری و هدایت خداوند در موضوع خلاقیت و ایده‌پروری در انسان‌های مؤمن می‌شوند:

- خداونـد در سـورهٔ انفال آیهٔ ۲۹ می‌فرمایـد: «يَا أَيُّهَا الَّذِيـنَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّـهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا»: «ای کسـانی که ایمان آوردید اگر تقوا داشـته باشید (از دستورات الهی پیروی کنید و از نهی او دوری کنید) قوه و قدرت تشخیص به شما داده می‌شود».
- و در آیات ۲ و ۳ سورهٔ طلاق می‌فرماید: «وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ

فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُك وَ يَشْتَغِلَ لُبُّك».

1. A Edwards, N Pang, V Shiu, C Chan
2. Wink, Paul; Dillon, Michele
3. J.E. Kennedy and H. Kanthamani
4. Spirituality
5. Cavanagh
6. Religiousness

۷. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶).

۸. «إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ الَّذينَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فی سَبيلِ اللَّهِ أُولئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحيمٌ» (بقره:۲۱۸).

۹. «وَيَا قَوْمِ اسْـتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِـلِ السَّـمَاءَ عَلَيْكُم مِّـدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُـمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود: ۵۲).

۱۰. «وَ الَّذينَ جاهَدُوا فينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنينَ» (عنکبوت: ۶۹).

۱۱. «وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يجْعَل لَّهُ مخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يحْتَسِبُ وَ مَن يَتَوَكلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۲و۳).

لَا یحْتَسِبُ وَ مَن یَتَوَکلْ عَلیَ اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»: «و کسی که از خدا بترسد خدا برایش راه نجاتی از گرفتاری‌ها قرار می‌دهد و از مسیری که خود او هم احتمالش را ندهد رزقش می‌دهد و کسی که بر خدا توکل کند خدا همه‌کاره‌اش می‌شود».

- «اتَّقُوا اللَّهَ وَ یُعَلِّمُکُمُ اللَّهُ» (بقره: ۲۸۲): «تقوای الهی داشته باشید تا خداوند به شما تعلیم دهد».
- «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَکَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ...» (ابراهیم: ۱۲): «ما را چه شود که بر خدا توکل نکنیم درحالی‌که هر آینه خداوند راه‌های ما را به ما نشان داده است...».

تشریح عامل انگیزه در خلاقیت از نگاه اسلام مقاله‌ای مجزا می‌طلبد بااین‌حال، منابع اسلامی با جهت‌دادن نیروی انگیزشی به درون، اسباب کنترل را عموماً به فرد می‌سپارند. سازوکارهایی که اسلام برای درونی‌سازی انگیزه درنظر گرفته از این قرار است:

۱. امید؛ جهان‌بینی الهی به انسان مؤمن روحیهٔ امید و خوش‌بینی به حمایت خداوند (فصلت: ۳۰) (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ص۶۴)[۱]، مؤمنین (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۱۲۶)[۲]، توان خود (ابن‌شعبه، ۱۳۶۳: ص ۱۳۹)[۳] و همچنین، نهایت کار (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۲، ص ۷۲)[۴] می‌بخشد. این روحیه موجب می‌شود علاوه‌بر داشتن پشتوانهٔ محکم، به فرایند کار و نتیجهٔ آن امید زیادی داشته باشد. توکل و فانی‌ندیدن تلاش‌ها حتی درصورت شکست نیز از جوانب دیگر انگیزه بر فرایند کار و ایده‌دهی را تقویت می‌کند (آل‌عمران: ۱۵۹) و (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۶۵۶).[۵]

۲. نظارت الهی (حیا): حیا به معنی درک حضور و نظارت خداوند و اولیا است. مشاهده‌ای همه‌جانبه ازجانب خالقی که دانا، توانا و مهربان است و بر بندگان خود ذره‌ای ظلم نمی‌کند، خوبی‌ها را به چندین برابر پاداش می‌دهد و حسابگری او بر کجی‌های بندگان ذره‌ای انحراف ندارد (بقره: ۱۴۳)؛ (انعام: ۱۶۰).[۶] باور به این نظارت و مشاهده همراه

۱. «إِنَّ الَّذِینَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلَائِکَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِی کُنتُمْ تُوعَدُونَ»؛ «کَذَلِكَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ الْبَرِیءُ مِنَ الْخِیَانَةِ یَنْتَظِرُ مِنَ اللَّهِ إِحْدَى الْحُسْنَیَیْنِ إِمَّا دَاعِی اللَّهِ فَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَیْرٌ لَهُ وَ إِمَّا رِزْقَ اللَّه».
۲. «الرَّجُلُ السُّوءُ لَا یَظُنُّ بِأَحَدٍ خَیْراً لِأَنَّهُ لَا یَرَاهُ إِلَّا بِوَصْفِ نَفْسِهِ، سُوءُ الظَّنِّ بِالْمُحْسِنِ شَرُّ الْإِثْمِ وَ أَقْبَحُ الظُّلْمِ».
۳. «وَ لَا یَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ فِی الْأُمُورِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ بِقَدْرِ نَفْسِهِ یَکُونُ بِقَدْرِ غَیْرِهِ أَجْهَل».
۴. «أحسِنِ الظَّنَّ باللّه، فإنّ اللّه عَزَّوجلَّ یقولُ: أنا عِندَ ظَنِّ عَبدِیَ المُؤمِنِ بی؛ إن خَیرا فخَیرا، و إن شَرّا فَشَرّا».
۵. «وَ شاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَى اللَّه»؛ «مَنْ تَوَکَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصِّعَابُ وَ تَسَهَّلَتْ عَلَیْهِ الْأَسْبَابُ وَ تَبَوَّأَ الْخَفْضَ وَ الْکَرَامَةَ».
۶. «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ»؛ «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها، وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَةِ فَلا یُجْزى إِلَّا مِثْلَها وَ هُمْ لا یُظْلَمُون».

بـا صفات شـخصیتی انسـان مؤمن، موجب می‌شـود تا او تـوان خود را بـرای بهتربودن و به‌نحواحسن انجام‌دادن امور به‌کار بندد.

۳. باور به جهان آخرت و معاد: انسان را از انحرافات و سستی باز می‌دارد، کسی که به آخرت و حسـاب دقیق اعمـال ایمـان دارد تلاش‌های خود را محفـوظ می‌داند اگرچـه دیگران با مقیاس‌های بیرونی خود شخصیت او و آفریده‌هایش را کم‌ارزش تلقی کنند، اما او با ایمان بـه محفوظ‌بـودن پاداش تلاش‌هایش چه به نتیجهٔ مطلوب برسـد و یـا بازبماند از رضایت درونی بهره‌مند خواهد شد.

علاوه‌بر این موارد، برنامه‌هایی نیز برای تقویت خودکنترلی در اسـلام دیده شـده اسـت. مانند تزریق احسـاس ارزش و کرامت، خودشناسـی، هدفمندی، تقویت بنیـهٔ علوم دینی، عبادت، نقش تذکری قرآن، توجه به سیرهٔ معصومین علیهم‌السّلام وغیره.

۵. تلاش

به‌دست‌آوردن اطلاعات عمومی و تخصصی فراوان و همچنین، تجربه‌ای که برای ایده‌های خلاقانه به‌کار آید نیازمند تلاش و همت فراوان اسـت. اهمیتی که منابع دینی به تلاش و پشـتکار در رسیدن بـه موفقیت و ایده‌های نو می‌دهند، مؤلفهٔ تـلاش را در جای‌جای فرایند خلاقانه وارد می‌کند؛ یعنی طبق الگوی اسـلامی خلاقیت، رشـد خلاقیت نیازمند این است که روحیهٔ جهادی در علم‌آموزی، دسـت‌ورزی و تجربه، آزمودن راهبردهای تفکر، ایجاد انگیزه برای حل خلاقانهٔ مسئله و همچنین، روحیهٔ تلاش و کار جدی در محیط پرورش‌دهندهٔ خلاقیت شکل گرفته باشد تا الگویی برای دیگران باشد.

خداوند در آیهٔ ۶۹ سورهٔ عنکبوت می‌فرماید؛ «وَالَّذینَ جاهَدُوا فینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِـنینَ»: «کسـانی که در راه ما مجاهده می‌کنند ما به‌سـوی راه‌های خود هدایتشان می‌کنیم و خدا همواره با نیکوکاران اسـت. از این آیه و روایاتی که در ادامه می‌آید برداشـت می‌شود که ایده‌ها و محصولات خلاقانه در بافت تلاش و پشتکار رشد چشمگیری پیدا می‌کنند. همچنین، این آیه به چند نکتهٔ مهم اشاره دارد:

اول، این آیه بر همراهی دائمی تلاش با راهیابی دلالت دارد. به این معنی که خداوند در این آیه تضمین می‌کند هر که در مسیرش تلاش کند ذهن ایده‌پرور و بازی خواهد داشت، راهیابی و خروج از بن‌بست نتیجه‌ای است که در خلاقیت به‌دنبال آن هستیم.

دوم، واژهٔ «سُـبُل» نشـان‌دهندهٔ تنوع این راهکارها است و می‌رساند که فرد مؤمن اگر در زندگی

خود در مسیر الهی قدم بردارد و سرزندگی و تلاش برنامهٔ همیشگی او باشد، در مسائل پیش‌روی خود راهکارهای متنوعی دارد.

سوم، از عبارت پایانی آیه و نسبت‌دادن هدایت به خداوند در متن آیه به‌دست می‌آید که انسان مؤمن علاوه‌بر داشتن ابتکار از پشتوانه و حمایت الهی نیز بهره‌مند است و همین امر موجب می‌شود تا در شرایط استرس‌زا از آرامش مطلوب که برای خلاقیت به آن نیازمند است بهره‌مند باشد.

امیرالمؤمنین علیه‌السّلام در بیانی می‌فرماید: «مَن بَذَلَ جُهدَ طاقَتِهِ بَلَغَ كُنهَ إرادَتِهِ»: «کسی که نهایت تلاش خود را در موضوعی به‌کار گیرد به نهایت چیزی که از آن آرزو دارد خواهد رسید» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۶۳۸). حضرت در این کلام بر راهگشابودن تلاش اشاره می‌کنند. در تلاش نیز روایات از جوانان می‌خواهند که تلاش خود را هدایت‌شده به‌کار گیرند و از بذل همت و تلاش در جایی که در گذشته در آن تلاش فکری و عملی انجام نداده‌اند پرهیز کنند. همان حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «همّت خود را صرف چیزهایی کن که به آن نیاز داری و آنچه را به کارت نمی‌آید پیگیری مکن»[1] (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۱۸۲).

در متون روایی به چگونگی تلاش نیز اشاره شده است. دستیابی به تجربه و تلاش باید مستقیم ازطرف متربی و زیرنظر و هدایت مربی باشد. به این معنا که متربی باید به سختی و همراه با تفکر، مهارتی را بیاموزد. معمولاً آموزش تفکرمحور به‌جای استادمحور برای متربیان سخت‌تر است، این نحوهٔ آموزش نیاز دارد تا مربی و شاگرد هر دو نسبت‌به شیوهٔ قبلی فعالیت بیشتری داشته باشند. امیرالمؤمنین علیه‌السّلام می‌فرماید: «فضایل نهفتهٔ انسان در سختی‌ها خود را نشان می‌دهد» (همان: ص ۱۰۰)[2] و در جای دیگر می‌فرماید: «با سختی است که انسان به درجات بالا می‌رسد» (همان: ص ۹۹)[3] و به‌عنوان یک قاعدهٔ پذیرفته‌شده بیان می‌فرماید که ایده‌هایی که افراد می‌دهند نیز به پشتوانهٔ تجربهٔ ایشان بازمی‌گردد؛ به این معنی که پیش‌بینی ارائهٔ ایده‌های مبتکرانه از افراد پخته و باتجربه نسبت‌به آنها که تجربه‌ای در آن موضوع ندارند بیشتر است (همان: ص ۳۸۸).[4]

نتیجه‌گیری

چنانچه گذشت، هر سه الگوی خلاقیت، با تفاوت‌هایی بر نقش انگیزه، تفکر خلاق، پایهٔ اطلاعات

۱. «اقْصِرْ هِمَّتَكَ عَلَى مَا يَلْزَمُكَ وَ لَا تَخُضْ فِيمَا لَا يَعْنِيك».
۲. «عِنْدَ تَعَاقُبِ الشَّدَائِدِ تَظْهَرُ فَضَائِلُ الْإِنْسَان».
۳. «بِالتَّعَبِ الشَّدِيدِ تُدْرَكُ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الرَّاحَةُ الدَّائِمَه».
۴. «رَأْيُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ تَجْرِبَتِه».

و مهارت‌هـای تخصصی در هر خلاقیتی تأکیـد می‌کنند. این اجزا در الگوهای سـیکزنت‌میهالی (۱۹۹۴) اسـترنبرگ و لوبارت (۱۹۹۶) نیز اشـاره شـده اسـت. بااین‌حال، الگوی اربن نسـبت به آمابیل، نگاهی جزئی‌تر بر خلاقیت دارد. اربن (۲۰۰۳) تفکر خلاق را تفکر واگرا می‌داند و علاوه‌بر تفکر، واگرایی در رفتار را در اجزای خلاقیت وارد می‌داند، عنصری که در الگوی سـیکزنت‌میهالی و اسـترنبرگ با «مهارت‌های تفکر» شـناخته می‌شـود. همچنین، اربن (۱۹۹۱) در پایهٔ اطلاعات و اطلاعات تخصصی علاوه‌بر داشـتن این اطلاعات، داشـتن مهارت‌های عملی این اطلاعات را در فرایند خلاقیت دخیل می‌داند، مطلبی که آمابیل (۱۹۹۷) با عنوان «مهارت» از آن یاد کرده اسـت. با توجه به منابع اسـلامیِ کلیدواژگانیی که رسـانندهٔ معنای خلاقیت هسـتند این معنا دست‌کم در مشتقات «حول و فطن» بهتر برداشت می‌شود. اگرچه دیگر کلیدواژگان به‌منظور دستیابی به خلاقیت در الگوی خلاقیت کاربرد دارند. درنتیجه منابع اسـلامی به خلاقیت و مؤلفه‌های شـکل‌دهندهٔ آن توجه ویژه داشته است، چراکه با تحقّق عوامل بنیادی، خلاقیت حفظ شده و رشد می‌یابد (علی‌گلی و ساجدی، ۱۳۹۴). الگوی به‌دست‌آمده از اسلام شامل مؤلفه‌های زیر است:

چهـار عنصر پایهٔ اطلاعـات عمومی و تخصصی، تفکر در موضوع همـراه با مهارت‌های آن و همچنین، تجربهٔ تخصصی، باوجود تفاوت‌هایی همسو با مطالعات اربن (۲۰۰۳) سیکزنت‌میهالی (۱۹۹۴) استرنبرگ و لوبارت (۱۹۹۶) و آمابیل (۱۹۹۷) هستند. بااین‌حال، تلاش زیاد و همچنین ایمـان و انگیـزهٔ تأثیرپذیرفتـه از ایمـان در الگوی به‌دسـت‌آمده از اسـلام، مؤلفه‌هایی هسـتند که مخصوص منابع اسـلامی هسـتند. ایمان راسـتین به جهت خلق شـخصیت و محیـط بارورکنندهٔ خلاقیت تأثیری مستقیم بر این ویژگی انسانی آینده‌ساز دارد (سروگلو و همکاران، ۲۰۰۸؛ وینک و میشل، ۲۰۰۸) با توجه به همایندی انگیزه با ایمان در این الگو انگیزه در کنار ایمان قرار گرفته است و در اسلام به انگیزهٔ درونی نسبت‌به انگیزهٔ بیرونی توجه بیشتری شده است. البته باید توجه داشت که این به معنای زیرمجموعه‌بودن انگیزه در ایمان نیست.

با توجه به الگوهای تعریف‌شـده شرط دسـتیابی به خلاقیت‌های بدیع‌تر و فراوان‌تر جمع‌کردن هرچه بیشـتر این عناصر در متربیان یا کارمندان سازمان اسـت. البته ازآنجاکه این مؤلفه‌ها بنیادین هسـتند کاربردی‌سازی آنها در سـنین پایین اولویت بیشتری پیدا می‌کنند. پژوهش حاضر به جهت ارائهٔ بستهٔ کاملی از عناصر الگوی خلاقیت، آزادی لازم برای توضیح بیشتر عناصر و بیان کاربردهای عملی آنها را نداشته است. درنتیجه الگوها به‌صورت خلاصه ارائه شدند. پیشنهاد می‌شود اثربخشی ارائـهٔ این الگو بر خلاقیت کودکان به‌صورت آزمایشـی بررسـی شـود. همچنیـن، در پژوهش‌های کتابخانه‌ای پیش‌رو برخی از این مؤلفه‌ها و جنبهٔ کاربردی آنها را به‌صورت مفصل مطرح کردند.

کتابنامه

- **صحیفه سجادیه.**
- ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق **شرح نهج‌البلاغه**، نشر کتابخانه مرعشی نجفی، قم.
- ابن اثیر، جزری. ۱۳۶۷. **النهایة فی غریب الحدیث**. قم. نشر اسماعیلیان.
- ابن شعبه، حرانی. ۱۳۶۳. **تحف العقول**. تصحیح علی غفاری. قم. نشر جامعه مدرسین قم.
- ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ق. **معجم مقاییس اللغه**. قم. نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق. **لسان العرب**. محقق میردامادی. بیروت. نشر دارالفکر.
- اژه‌ای، جواد. ۱۳۸۳. **ویژگی‌های شخصیتی تیزهوشان در پژوهش‌های روان‌شناختی ایران**. تهران. نشر سمپاد.
- افروز، غلامعلی. ۱۳۷۸. **روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان**. بی‌جا. چاپ هشتم. نشر انجمن اولیا ومربیان. تهران.
- برنجکار، رضا. ۱۳۷۴. «**مفهوم حکمت در قرآن و حدیث**». صحیفهٔ مبین. شمارهٔ ۳.
- بیابانگرد، اسماعیل. ۱۳۸۴. **روان‌شناسی‌تربیتی (روش‌های آموزش و یادگیری)**. تهران. نشر ویرایش.
- پارسا، محمد. ۱۳۷۴. **روان‌شناسی تربیتی**. تهران. نشر علمی.
- تقوی، مصطفی. ۱۳۸۷. «**درآمدی مبنایی و راهبردی بر الگوی اسلامی‌ـایرانی توسعهٔ علم و فناوری**». مجله حوزه و دانشگاه. شمارهٔ ۵۶.
- تمیمی آمدی، عبدالواح، بن محمد. ۱۳۶۶. **غرر الحکم و درر الکلم**. قم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- تورنس، ئی پال. ۱۹۷۹. **استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آموزش و پرورش آن**. ترجمهٔ حسن قاسم زاده. تهران. نشر دنیای نو.
- جان‌بزرگی، مسعود. ۱۳۸۶. «**جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان**». مجلهٔ پژوهش در پزشکی. دورهٔ ۳۱. شماره۴.
- حائری زاده خیریه، بیگم. ۱۳۸۱. **تفکر خلاق و حل خلاقانهٔ مسئله**. تهران. نشر نی.
- حسینی، افضل‌السادات. ۱۳۷۸. **ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن**، مشهد، به‌نشر.
- خلیل بن احمد، فراهیدی. ۱۴۰۹ق. **العین**. قم. نشر هجرت.
- خویی. میرزا حبیب‌الله، ۱۴۰۰ق. **منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه**. محقق ابراهیم میانجی. تهران. مکتبه الاسلامیه.
- خوانساری، جمال‌الدّین، ۱۳۶۶. **شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم**، تحقیق حسینی ارموی، چاپ چهارم، ۷ جلد، نشر دانشگاه تهران، تهران.
- دلاور، علی، ۱۳۸۰. **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**. تهران. نشر رشد.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۳. **لغت نامهٔ دهخدا**. تهران. نشر دانشگاه تهران.
- ری‌شهری محمدی، محمد. ۱۳۷۱. **میزان الحکمه**. قم. نشر اعلام اسلامی.
- ری‌شهری، محمد، نجکار و مسعودی، ۱۳۷۸. **خردگرایی در قرآن و حدیث**. نشردارالحدیث. قم.
- سجادی، سیدعلی. ۱۳۸۵. «**خودکنترلی در نظام کنترل و نظارت اسلامی**». معارف اسلامی و حقوق. شماره ۲۳.
- سرمد، زهره. بازرگان عباس. حجازی الهه. ۱۳۸۵. **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**. تهران. انتشارات آگه.
- سلیمانی، افشین. ۱۳۸۱. **کلاس خلاقیت**. تهران. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

- سیدرضی. ۱۴۰۷ق. **نهج البلاغه**. قم. انتشارات دار الهجره.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۴ق. **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**. قم. انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- شعاری نژاد، علی اکبر. ۱۳۸۰. **نگاهی نو به روان‌شناسی آموختن یا روان‌شناسی تغییر رفتار**. تهران. نشر چاپخش.
- شهید ثانی. ۱۴۰۹ق. **منیة المرید**. قم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- شریعتمداری، مهدی. ۱۳۸۸. **تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری**، تهران، نشر کوهسار.
- شهرآری سیدان، فرزاد، «**تحلیل خلاقیت در کودکان: معرفی آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت**»، فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۶۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
- شیخ حر عاملی. ۱۴۰۹ق. **وسائل الشیعة**. قم. مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
- شیخ صدوق. ۱۴۱۳ق. **من لا یحضره الفقیه**. قم. انتشارات جامعه مدرسین قم.
- ـــــــــ ۱۳۶۲ش. **الأمالی**. تهران. نشر دارالکتب الإسلامیه.
- صمدآقائی، جلیل. ۱۳۸۰. **تکنیک‌های فردی و گروهی خلاقیت**. تهران. نشر آموزش مدیریت دولتی.
- طباطبائی، محمد حسین. ۱۳۷۴. **المیزان**. ترجمه موسوی همدانی. قم. نشر جامعهٔ مدرسین قم. چاپ پنجم.
- ـــــــــــــــــ۱۳۷۸. **نهایة الحکمه**. تصحیح فیاضی غلامرضا. قم. نشر مؤسسه امام خمینی (ره).
- طبرسی، رضی‌الدین، حسن بن فضل. ۱۴۱۲ق. **مکارم الأخلاق**. قم. انتشارات شریف رضی.
- طبرسی، حسن بن محمد. ۱۳۷۰. **مکارم الأخلاق**. قم. نشر شریف رضی. چاپ چهارم.
- طوسی، محمدبن حسن. ۱۴۱۴ق. **الامالی**. قم. نشر دارالثقافه.
- علی‌گلی، جعفر؛ ساجدی، ابوالفضل. ۱۳۹۴. **رشد خلاقیت و شاخص‌های آن در اسلام و روان‌شناسی**. قم. نشر مؤسسه امام‌خمینی (ره).
- قاسمی، فرشید؛ اقلیدس، طاهره. ۱۳۸۴. «**بررسی تأثیر آموزش درس "پرورش خلاقیت در کودکان" بر افزایش خلاقیت دانش آموزان دختر سال سوم کودکیاری**». مجلهٔ نوآوری‌های آموزشی. شمارهٔ ۱۳.
- قراملکی، احد. ۱۳۸۳. **اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی**. نشر حوزه علمیه، قم.
- کفایت، محمد. ۱۳۷۳. «**بررسی شیوه‌های فرزندپروی با خلاقیت و ....**» پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز. سایت www.irandoc.com.
- کلینی. ۱۳۶۵. **الکافی**. تهران. نشر دارالکتب الإسلامیة.
- ـــــ ۱۳۷۵. **اصول کافی**. ترجمه کمره‌ای. قم. انتشارات اسوه. چاپ سوم.
- گای‌آر، لفرانسوا، ۱۳۸۰، **روانشناسی برای معلمان**، ترجمه‌ی فرجامی هادی. مشهد. نشر به‌نشر.
- لیثی واسطی. ۱۳۷۶. **عیون الحکم والمواعظ**. محقق حسنی بیرجندی. قم. نشر دارالحدیث.
- مجلسی. ۱۴۰۴ق. **بحار الأنوار**. لبنان. نشر مؤسسة الوفاء بیروت.
- محدث نوری. ۱۴۰۸. **مستدرك الوسائل**. قم. نشر مؤسسه آل البیت علیهم السّلام.
- محمدبن‌بابویه. ۱۴۱۳ق. **من لایحضره‌الفقیه**، ۴ جلد، تصحیح غفاری، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۴ق. **مرآة العقول**. محقق محلاتی. تهران. نشر دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی. محمدتقی. ۱۴۰۳ق. **بحارالانوار**. دار إحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۱۰جلد، بیروت، لبنان.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۳. **به سوی او**. قم. انتشارات مؤسسه امام خمینی ره.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۶۸. **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران. نشر سازمان ارشاد.

- معین، محمد. ۱۳۶۲. **فرهنگ معین**. تهران. نشر امیرکبیر. چاپ پنجم.
- نورعلی‌زاده، مسعود. ۱۳۹۰. «**رابطهٔ خداآگاهی با خودآگاهی**». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسهٔ امام خمینی. قم.
- نوری، ۱۴۰۸ق. **مستدرک الوسائل**. قم. نشر آل‌البیت.
- ورام بن ابی فراس. ۱۳۶۹. **مجموعهٔ ورام**. تهران. دارالکتب الإسلامیة.

- Adams, Karlyn, 2005. **The Sources of Innovation and Creativity**. National Center on Education and the Economy.
- Amabile Teresa, **Creativity & Innovation in Organizations,** Harvard Business school, 1996 January.
- _____, 1997. **Creativity & Innovation in Organizations**. Harvard Business School.
- _____, 1997. **Motivating Creativity in organism, California Management review**. VOL 4. NO1.
- _____. 1983. "**The social psychology of creativity: A componential conceptualization**". Journal of Personality and Social Psychology. Vol 45(2). P 357-376.
- Berammer L .M, Abrego P, Shostrom E.L. 1993. **Therapeutic counseling and psychotherapy**. 6th edition. Prentice Hall,.
- Brown, R. T. 1989. **Creativity: What are we to measure? In J. A. Glover, R. R. Ronning & C. R. Reynolds (Eds.)**. Handbookof creativity. P.3-32. New York: Plenum Press.
- _____. 1989. Creativity: **what we are to measure? In Torrance, E. P., Glover, J.A., Ronning, R.R. and Reynolds, C.R. (Eds.) (1989).** Handbook of creativity. Perspectives on individual differences (p. 3-32). New York; London: Plenum.
- Cavanagh G, 1999. "**Spirituality for managers: context & critique**". Journal of organizational change management. 12(3). p 186-199.
- Chan Kuo, 2011. "**Toward a Synthesis Framework for the Study of Creativity in Education: An Initial Attempt**". Educate. Vol 11. No1. p. 65-75.
- Chan Kuo, Hsu, 2011. **"Critical Review toward a Synthesis Framework for the Study of Creativity in Education: An Initial Attempt"**. Educate Journal. Vol 11. No 1.
- Csikszentmihalyi Mihaly, Feldman. David Henry, Howard Gardner. 1994. **Changing the world: a framework for the study of creativity**. Praeger.

- Csikszentmihalyi, M. 1999. **Implications of a systems perspective for the study of creativity. In R. J. Sternberg (Ed.)**. Handbook of creativity. Cambridge: Cambridge University press. p 313-335
- Edwards A., N. Pang, V. Shiu and C. Chan, 2010. "**Review: The understanding of spirituality and the potential role of spiritual care in end-of-life and palliative care: a meta-study of qualitative research**". Palliat Med 24: p 753.
- Ferrari Anusca, Romina Cachia and Yves Punie, 2009. **Innovation and Creativity in Education and Training in the EU Member States: Fostering Creative Learning and Supporting Innovative Teaching Literature review on Innovation and Creativity in E&T in the EU Member States (ICEAC), Technical Note**: JRC 52374.
- Feist. Gregory J. 1998. **"A meta-analysis of personality in scientific and artistic creativity"**, personality and social psychology review perssocpsychol rev , vol. 2, no. 4, pp. 290 309,.
- Ginsburg, Golda S. Bronstein Phyllis, 2008. "**Family Factors Related to Children's Intrinsic/Extrinsic Motivational Orientation and Academic Performance"**. Child Development. 64(5). p1461 – 1474.
- Gruber, H.E. 1988. "**The Evolving System Approach to Creative Work. Creativity"**. Research Journal. V1. p 27-51.
- Hayes, J. R. 1989. **Cognitive processes in creativity**. In J. A. Glover, R. R. Ronning & C. R. Reynolds (Eds.), Handbook of creativity (pp. 135-145). New York: Plenum Press.
- Kennedy J.E. and H. Kanthamani, 1995. **"Association between Anomalous Experience and Artistic Creativity and Spirituality"**. The Journal of the American Society for Psychical Research. Volume 89. p 333-343.
- Karlyn Adams, 2006. **The Sources of Innovation and Creativity**. National Center on Education and the Economy.
- Mayer, R. E. 1999. "**Fifty years of Creativity Research"**. In R.J. Sternberg (ed.) Handbook of Creativity, p. 449-460. London: Cambridge University Press.
- Pike Robert W, 2002. **Creative Training Techniques Handbook Third Edition**. HRD Press Inc, Amherst, Massachusetts.
- Politis, J. D. 2004. **"Transformational and Transactional Leadership Predictors of the 'Stimulant' Determinants to Creativity in Organizational Work Environments the Electronic"**. Journal of Knowledge

Management Volume 2 Issue 2. p 23-34,
- Root-Bernstein, R. & Root-Bernstein, M. 1999. **Sparks of Genius: The Thirteen Thinking Tools of the World's Most Creative People**. Houghton Mifflin: New York.
- Sarogloua Vassilis, Coralie Buxanta & Jonathan Tilquina. 2008. "**Positive emotions as leading to religion and spirituality**". The Journal of Positive Psychology. Volume 3. Issue 3.
- Spooner. Marc, 2004. "**Generating integration and complex understanding: exploring the use of creative thinking tools within interdisciplinary studies**". Issues in integrative studies. vol 22.
- Sternberg, R. J. and Lubart, T. I. 1991. "**An investment theory of creativity and its development"**. Human Development, 34, 1-32.
- Sternberg, R. J., & Lubart, T. I. 1996. **"Investing in creativity**". American Psychologist, 51(7). p 677–688.
- Sternberg, Robert & Todd Lubart. 1991. "**An Investment Theory of Creativity and its Development"**. Human Development. V34. p 1-32.
- Sternberg, Robert J, 1999. **Handbook of Creativity**. Cambridge CB2 2ru uk.
- Sternberg, R. J., & Lubart, T. I. (1995). **Defying the crowd.** New York: Free Press.
- Tanawat hirunyawipada. 2007. **How componential factors and constraint enhance creativity in .the development of new product ideas, dissertation prepared for the degree of doctor of philosophy**. University of north texas.
- Thomas B. Ward. 2006. **Creativity - A Handbook for Teachers**. World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.
- Urban, K.K. 1991. **"On the development of creativity in children"**. Creativity Research Journal. 4 (2). P 177-191.
- _____. 2001 **"The international handbook of giftedness and talent"**. Authors:K. A. Heller, F. J. Mönks, R. SubotnikRobert J. Ste,USA, Pergamon, p 490.
- _____ 2003. **Assessing Creativity: A Componential Model. Creativity: A Handbook for Teachers**. AI - Girl TANT. Singapore Scientific Publishing.
- _____ 2011 http://klaus. urban. phil. unihannover. de/imperia/md/content/de/unihannover/phil/klaus_urban/

- Ward, Thomas B. 2007. "**Creative cognition as a window on creativity, Department of Psychology"**. Methods. 42. p28–37.
- Weisberg, R. W. 1999. **Creativityand knowledge: A challenge to theories**. In R. J. Sternberg (Ed.), Handbook of creativity. P 226-250. Cambridge: Cambridge University press.
- Wink, Paul; Dillon, Michele, 2008. "**Religiousness, spirituality, and psychosocial functioning in late adulthood**". Psychology of Religion and Spirituality. Vol S, 1. P 102-115.
- Yasha aggarwal & neha bhatia, 2011. "**Creativity and innovation in management**". International Journal of Multidisciplinary Research. Vol.1 Issue 5. ISSN 2231 5780.